

گزیده‌هایی از آثار
پیشگامان روان‌شناسی علمی در ایران
(کتاب یکم)

توجه!

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگراف، تهیه فایل های pdf یا لوح فشرده، بازنویسی در ویلاگ ها یا سایت ها یا مجله یا کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر شرعاً و قانوناً مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می شود.

گزیده‌هایی از آثار
پیشگامان روان‌شناسی علمی
در ایران

(کتاب یکم)

به کوشش

دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده

گروه روان‌پزشکی

بیمارستان روزبه

مرکز روان‌شناسی بالینی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر حسن حمیدپور



انتشارات ارجمند

سرشناسه: قاسم‌زاده، حبیب‌الله، ۱۳۲۳ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: گزیده‌های از آثار پیشگامان روان‌شناسی علمی در ایران (کتاب یکم)
حبیب‌الله قاسم‌زاده، حسن حمیدپور.
مشخصات نشر: تهران: ارجمند، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۴۸۰ ص. مصور، نمودار.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۶-۲۸۵-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: روان‌شناسی
موضوع: روان‌شناسی — ایران
شناسه افزوده: حمیدپور، حسن، ۱۳۵۵ - گردآورنده
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۲۲ق/ف ۱۲۸/RF
رده‌بندی دیویی: ۱۵۰
شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۷۱۶۶۲



انتشارات ارجمند

به کوشش دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده، دکتر حسن حمیدپور
گزیده‌های از آثار پیشگامان روان‌شناسی علمی در ایران (کتاب یکم)
چاپ یکم: زمستان ۱۳۸۹
حروف‌نگاری: فرشته آذریاد؛ صفحه‌آرایی: سمیه حسینی؛ نمونه‌خوانی: غلامحسین دهقانی
چاپ: سمارنگ، صحافی: ایران کتاب
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه
همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

مرکز پخش:

کتاب گزیده	انتشارات ارجمند
خیابان فخررازی، شماره ۳۳، تهران: ۱۳۱۴۸	بین کارگر و ۱۶ آذر شماره ۲۹۲
تلفن: ۶۶۴۰۰۹۸۷، ۶۶۴۸۰۵۶۹، ۶۶۴۹۲۹۶۲	تلفن: ۸۸۹۷۷۰۰۲، ۸۸۹۷۹۵۴۴

www.arjmandpub.com

قیمت: ۱۱۸۰۰ تومان

فهرست

۹	پیش‌گفتار
	دکتر تقی ارانی
۱۹	گزیده‌هایی از پسیکولوژی (علم روح)
۱۹	مقدمه
۲۱	اسلوب و طریقه تحقیق در پسیکولوژی
۲۹	تکامل علم
۳۱	حافظه و عادت
۴۱	خواص حافظه
۴۲	فیزیولوژی و پاتولوژی حافظه
۴۲	تئوری‌های حافظه
۴۵	عادت

۶ پیشگامان روان‌شناسی علمی در ایران

۴۶	ملاحظات مربوط به پداگوژی
۵۲	نطق و زبان
۶۰	نکات مربوط به پداگوژی
۶۱	خط و کتابت

دکتر علی اکبر سیاسی

۶۵	گزیده‌هایی از علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت
۶۵	دیباچه چاپ اول
۷۳	دیباچه چاپ هشتم
۷۶	گزیده‌هایی از مجله‌ی روان‌شناسی
۷۷	روان‌شناسی و انجمن روان‌شناسی ایران
۸۴	شخصیت سعدی از نظر روان‌شناسی
۹۸	عقل در فلسفه فارابی و در روان‌شناسی جدید
۱۰۹	گذشته روان‌شناسی در ایران و آینده آن

دکتر محمدباقر هوشیار

۱۲۱	گزیده‌هایی از روان‌شناسی عملی-تجارب روان‌شناسی در آزمایشگاه
۱۲۱	مقدمه
۱۲۴	علت فراهم ساختن کتاب
۱۳۳	ایجاد سلسله‌های تستی
۱۴۶	راه سنجش هوش بچه‌های سه ساله
۱۶۳	معنی هوش
۱۶۷	پیوستگی عمل هوش به هدف
۱۶۹	روان‌شناسی عملی در ایران
۱۷۱	هوش سنج ۱۳۱۵
۱۷۵	هوش آزمایی کالج البرز

دکتر مهدی جلالی

۱۸۱	گزیده‌هایی از روان‌شناسی کودک
۱۸۱	مقدمه

فهرست ۷

- ۱۸۴ روان‌شناسی یا تحقیق در رفتار و اعمال و حرکات انسان
- ۱۹۵ گزیده‌هایی از مقدمه روان‌شناسی
- ۱۹۵ مقدمه
- ۱۹۸ مقدمه بر چاپ سوم روان‌شناسی
- ۱۹۹ مقدمه بر چاپ دوم روان‌شناسی
- ۲۰۱ پیش‌گفتار
- ۲۰۳ روان‌شناسی چیست؟
- ۲۲۴ آدلر و نظریه او درباره شخصیت
- ۲۲۴ از مجله روان‌شناسی
- دکتر محمود صناعی
- ۲۴۳ گزیده‌هایی از مجله سخن
- ۲۴۳ آیا ممکن است باز دانشمندان بزرگی در ایران به وجود بیایند؟
- ۲۴۸ پسایندی بر «کیفیت تربیت دانشگاهی»
- ۲۵۳ گزیده‌هایی از اصول روان‌شناسی
- ۲۵۳ پیش‌گفتار
- ۲۵۵ مقدمه بر چاپ دوم
- فردوسی: استاد تراژدی
- ۲۵۶ متن سخن‌رانی در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ۲۸۱ گزیده‌هایی از آزادی و تربیت
- ۲۸۱ خوی از نظر روان‌شناسی
- دکتر سعید شاملو
- ۳۰۷ گزیده‌هایی از روش‌های نو در روان‌کاوی
- ۳۰۷ مقدمه مترجم
- ۳۱۱ مقدمه
- ۳۱۵ درمان به وسیله روان‌کاوی
- ۳۳۰ تو از عشق و عناد چه می‌دانی؟
- رابطه علم روان‌شناسی با نوروسایکولوژی و معرفی نظریه هب
- ۳۴۱ درباره سازمان‌بندی عملکردهای مغز
- ۳۴۷ ساختارهای روان‌شناختی
- ۳۵۰ نظریه دانلد هب

۸ پیشگامان روان‌شناسی علمی در ایران

دکتر محمدنقی براهنی

- زبان فارسی در گستره علم روان‌شناسی
 ۳۵۹ از مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم
 ارزیابی نوروپسیکولوژیک
 ۳۷۱ از فعالیت‌های عالی قشر مخ
 ۳۷۳ دیدگاه نوین درباره سازمان‌بندی کارکردی مغز
 ۳۷۵ نقش روان‌سنجی در ارزیابی نوروپسیکولوژیک
 ۳۷۸ کارکردهای شناختی در ارتباط با ارزیابی نوروپسیکولوژیک
 ۳۸۵ دو الگوی ارزیابی نوروپسیکولوژیک
 ۳۹۴ گزیده‌هایی از زمینه روان‌شناسی
 ۳۹۴ پیش‌گفتار متن فارسی
 ۳۹۹ آزمون‌سازی و کاربرد آزمون‌ها در نظام آموزش و پرورش ایران
 ۳۹۹ از مجله روان‌شناسی

دکتر ولی‌الله اخوت

- ۴۲۱ گزیده‌هایی از روان‌درمانی و چند مقاله دیگر
 ۴۲۱ پیش‌گفتار
 ۴۲۴ روان‌درمانی
 ۴۲۹ کاربرد آزمون بندر گشتالت و مقیاس هوشی وکسلر در تشخیص ضایعات مغزی
 ۴۴۰ پژوهشی در ارزش تشخیصی پرسشنامه شخصیت چندجنبه‌ای مینسوتا MMPI
 ۴۴۶ گزیده‌هایی از ارزش‌یابی شخصیت
 ۴۴۶ پیش‌گفتار
 ۴۴۹ شخصیت
 ۴۶۰ مصاحبه

پیش‌گفتار

از ابینگ‌هاوس^۱ نقل می‌کنند که گفته بود «روان‌شناسی گذشته‌ای طولانی و تاریخی کوتاه دارد». احتمالاً منظور ابینگ‌هاوس غیر از اشاره به مفهوم علمی روان‌شناسی، اشاره به مفهوم تاریخی بودن یک علم نیز بوده است. گذشته یک پدیده یا فرایند، با تاریخ آن پدیده یا فرایند فرق دارد. تاریخ، وقوع حوادث مهم نیست، بلکه فرمول‌بندی قوانین و تبیین حرکت و تحوّل پدیده‌ها و فرایندهای اجتماعی، انسانی و علمی در گذر زمان است. بنابراین، برای بررسی تاریخی یک علم، باید سرگذشت آن علم، بازسازی و بازآفرینی شود. بدین منظور، لازم است که ابتدا مورد روایت قرار گیرد و بعد، تجزیه و تحلیلی درباره وقوع حوادث مربوط صورت پذیرد و علل و اسباب تحولات کاویده شود، و در نهایت، نگرشی جدید شکل بگیرد. روان‌شناسی نیز از این امر مستثنی نیست. آثار ارزش‌مندی در این باره در کشورهای پیشرفته علمی، منتشر شده است. اما در جامعه خودمان، وضع فرق می‌کند. ما تاریخ مدّونی درباره روان‌شناسی نداریم. شاید علّت اصلی آن، پیوند نخوردن آرای متفکران قدیم خودمان با نظریه‌های جدید روان‌شناسی از یک‌سوی، و وابستگی نسبتاً کامل ایده‌یابی، فن‌آوری و صنعت روان‌شناسی ما به دیگر کشورها از سوی دیگر باشد. به یک اعتبار، روان‌شناسی ما هنوز به سطحی از تکامل نرسیده است که بتواند برای خود تاریخی بیافریند. اما بازسازی و بازآفرینی آنچه بر این علم گذشته است، شاید راه را برای تاریخی کردن آن تا حدّی هموار سازد و مراحل بعدی تجزیه و تحلیل حوادث و روشن کردن علل و اسباب رکود یا

1. Ebbinghaus

رشد علمی، با سرعت بیشتری طی شود و روان‌شناسی به عنوان یک علم، هم دارای هویت تاریخی و هم برخوردار از فن‌آوری جدید باشد.

اگر روان‌شناسی را به عنوان موضوع یا جنبه‌ای از معرفت در نظر بگیریم، کمتر فیلسوف و متفکری را می‌توان یافت که مستقیم یا غیرمستقیم در این‌باره اشاره‌هایی نداشته باشد و حتی رساله‌هایی را به آن اختصاص نداده باشد. مباحثی مانند شخصیت، مزاج، هوش، تفکر، هیجان، حافظه، مفهوم‌سازی، تجرید و تعمیم، یادگیری، تداعی و غیره از جمله مباحثی هستند که در آثار متقدمان، فراوان به آن‌ها پرداخته شده است. در این باره، مطالعه آثار از ابن‌سینا، فارابی، غزالی، طوسی، رازی، ملاصدرا و بسیاری دیگر، ایده‌های جالبی برای تحقیق و بازآزمایی فراهم می‌آورد. در برخی از این آثار، درباره آسیب‌شناسی روانی نیز نظراتی داده شده است و نقش مغز در رفتار و فعالیت‌های ذهنی، جایگاه خاصی به خود اختصاص داده است.

در غرب نیز متفکران بزرگی به روان‌شناسی از دیدگاه خودشان پرداخته‌اند. کافی است در این باره به آثار روسو، لایب‌نیتس، دکارت، اسپینوزا، کانت، جان لاک، هیوم و فیلسوفان دیگر، در کنار فیلسوفان قدیم یونان، مراجعه شود. اما اگر روان‌شناسی را به عنوان یک رشته دانشگاهی و به اعتبار روش مطالعه آن تعریف کنیم، معمولاً شروع آن را به تأسیس آزمایشگاه روان‌شناسی ویلهلم وونت^۱ در سال ۱۸۷۹ در لایپزیگ^۲ آلمان مربوط می‌کنند. البته بی‌درنگ باید افزود که نمی‌توان شکل‌گیری و تکامل یک علم را به یک مرکز و یا جامعه محدود کرد. تقریباً هم‌زمان با وونت، و یا حتی دو تا سه دهه پیش از او، بسیاری از دانشمندان در کشورهای غربی مشغول تحقیق و نظریه‌پردازی بودند. مثلاً گفته می‌شود که روان‌شناسی تطبیقی با داروین^۳ شروع شد و به وسیله افرادی مانند رومنس^۴ و مورگان^۵ ادامه یافت. گالتون^۶ در زمینه وراثت و ارتباط آن با هوش و نیز سنجش هوش و تفاوت‌های فردی نظریه‌پردازی و تحقیق می‌کرد. اگر وونت را بنیان‌گذار روان‌شناسی عمومی بدانیم، گالتون بنیان‌گذار روان‌شناسی تفاوت‌های فردی به‌شمار می‌آید. کشور آلمان را باید از بسیاری جهات در شکل‌گیری دیدگاه علمی به روان‌شناسی مؤثر دانست. تحقیقات روان‌شناختی بسیار جالبی به وسیله دانشمندان آلمانی از قبیل هلمهولتز^۷،

1. W. Wundt

2. Leipzig

3. Darwin

4. Romanes

5. Morgan

6. Galton

7. H. Helmholtz

پیش‌گفتار ۱۱

ویر^۱ و فخنر^۲ و روان‌شناسان متعلق به مکتب وورتسبورگ^۳ آغاز شده بود. در فرانسه پزشکان و اندیشمندان بزرگی دربارهٔ آسیب‌شناسی روانی به دستاوردهای بسیار مهمی نایل آمده بودند (افرادی مانند شارکو^۴، ریبو^۵ و پی‌یر ژانه^۶). آلفرد بینه^۷ روان‌شناسی تجربی مبتنی بر آزمون‌سازی و سنجش را بنیان نهاده بود. در آمریکا ویلیام جیمز^۸ نوشتن کتاب خود تحت عنوان *اصول روان‌شناسی* را از سال ۱۸۷۸ آغاز کرده بود و فکر می‌کرد تا ۲ سال آن را به اتمام می‌رساند. اما ۱۲ سال طول کشید و کتاب در سال ۱۸۹۰ منتشر شد و تأثیر عمیقی بر جریان‌های بعدی گذاشت. ویلیام جیمز اگرچه خود مستقیماً به تحقیق نپرداخت، اما شاگردانی تربیت کرد مانند استنلی هال^۹، تُرنادیک^{۱۰}، جان دیوئی^{۱۱}، اینجل^{۱۲}، وودورث^{۱۳} و دیگران که جملگی در زمینه‌های مختلفی به تحقیق می‌پرداختند. در روسیه دانشمندانی مانند سه‌چه‌نوف^{۱۴}، بخترف^{۱۵}، پاولوف^{۱۶}، کورنیلوف^{۱۷} و غیره درصدد تبیین مبانی عصب‌شناختی رفتار و فعالیت‌های ذهنی بودند. کتاب سه‌چه‌نوف تحت عنوان *بازتاب‌های مغز - کوششی برای بنیان‌مندی فیزیولوژیک فرایندهای ذهنی* در سال ۱۸۶۳ منتشر شده بود. اما به‌هرحال، شروع روان‌شناسی علمی دانشگاهی را با تأسیس آزمایشگاه وونت در سال ۱۸۷۹ مرتبط می‌دانند.

اگر بخواهیم در ایران برای روان‌شناسی به عنوان رشتهٔ مستقل دانشگاهی، تاریخی قایل شویم، باید آغاز آن را از سال ۱۳۴۲ یا ۱۳۴۳ بدانیم. از این زمان به بعد، رشتهٔ روان‌شناسی مستقل از فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران تأسیس شد. بدین اعتبار، از عمر آن حدود ۴۵ سال می‌گذرد. اما اگر آغاز آن را به عنوان تدریس درس روان‌شناسی در رشته‌های مختلف تربیت معلّم در دانشسرای عالی بدانیم باید به انتشار کتاب *علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت* اشاره کنیم که در سال ۱۳۱۷ منتشر شد (یعنی ۷۱ سال پیش). اگر جنبه‌های کاربردی روان‌شناسی را در ارتباط با سنجش هوش ملاک قرار دهیم، باید به انتشار کتاب *سنجش هوش یا روان‌شناسی عملی* اشاره کنیم که آن نیز در سال ۱۳۱۷ صورت گرفت. و بالأخره اگر بخواهیم روان‌شناسی را صرفاً به عنوان معرفی آن علم به جامعهٔ علمی و روشنفکران جامعه در نظر بگیریم، کتاب *پسیکولوژی یا*

1. E. H. Weber

4. Charcot

7. A. Binet

10. E. Thorndike

13. Woodworth

16. I.P. Pavlov

2. G. T. Fechner

5. Ribot

8. W. James

11. J. Dewey

14. I.M. Sechenov

17. Kornilov

3. Wuerzburg

6. P. Janet

9. S. Hall

12. Angell

15. Bekhterev

علم روح را باید مورد توجه قرار دهیم. این کتاب در سال ۱۹۲۷ یعنی ۸۳ سال پیش منتشر شد.

در هر صورت، روان‌شناسی در ایران قدمت زیادی ندارد، مخصوصاً اگر بخواهیم آن را به عنوان رشته مستقل دانشگاهی به حساب بیاوریم. اما این تاریخ کوتاه در ایران، تاریخی پراهمیت و افتخارآفرین بوده است. افرادی پرچم‌دار این حرکت علمی بودند که سخت شیفته دانش و فرهنگ و آزادگی بودند و جملگی با تمام نیرو سعی کردند آموخته‌ها و دریافته‌های خود را، سخاوت‌مندانه و دل‌سوزانه، به نسل‌های جدیدتر منتقل سازند. از مشخصات بارز این پیشگامان، اعتقاد عمیق آنان به علم از یک سوی و نگرش به دستاوردهای جدید در پرتو میراث فرهنگی و تاریخی ایران، از سوی دیگر بود. این روان‌شناسان همگی به ادبیات فارسی عشق می‌ورزیدند؛ فارسی را خوب می‌نوشتند، خوب حرف می‌زدند؛ با تاریخ و فرهنگ ایران آشنا بودند؛ و هر کدام، دست‌کم، یک یا دو زبان خارجی می‌دانستند. عده‌ای از آنان در برابر اصطلاحات خارجی معادل‌هایی وضع کرده‌اند که هنوز به کار می‌روند و حکایت از ظرافت، تیزبینی و نازک‌اندیشی آنان می‌کند. این روان‌شناسان در عین حال که روان‌شناسی را جزء علوم طبیعی می‌شمردند و بر کاربرد روش تجربی و آزمایشگاهی در تحقیقات روان‌شناختی تأکید می‌کردند، وجه کاربردی روان‌شناسی را مخصوصاً در زمینه تعلیم و تربیت، سنجش توانایی‌های ذهنی و مداخله‌های روان‌شناختی، در برنامه آموزشی خودشان قرار داده بودند.

اما نسل جوان ما نه تنها با آثار این بزرگان، چنان‌که باید، آشنا نیستند، بلکه ممکن است اسم برخی از آن‌ها را هم نشنیده باشند. و این در جامعه علمی ما پذیرفتنی نیست. مسئولیت این انتقال اطلاعات، بر عهده اساتید فعلی روان‌شناسی در دانشگاه‌های کشور است. نکته‌ای را هم در این باره باید افزود. منظور از این مسئولیت، این نیست که ما آثار این بزرگان را آخرین حد پیشرفت علمی بپنداریم و کل دریافت آن‌ها را از نظریه‌ها و مفاهیم در همه موارد، درست بدانیم، چه بسا نارسایی‌هایی در آثار آنان وجود داشته باشد. اما نباید سهم این روان‌شناسان را در کاشتن نهالی که آمادگی برای تبدیل شدن به درختی تناور را دارد، نادیده بگیریم و همه چیز را از خودمان آغاز کنیم و در خودمان خلاصه نماییم. این جمله نیوتون را همیشه آویزه گوش کنیم که می‌گفت اگر دوردست‌ها را می‌بیند، بدان سبب است که بر دوش غولان جای گرفته است!

چنان‌که اشاره رفت، آنچه این روان‌شناسان انجام دادند، معرفی روان‌شناسی به

پیش‌گفتار ۱۳

جامعه علمی بود. می‌بایست جامعه علمی نیز خود گام‌های جدیدی برمی‌داشت و روان‌شناسی را هرچه بیشتر به سوی تحقیقات پایه‌ای سوق می‌داد. ولی این اتفاق نیفتاد. نسل‌های بعدی نیز همان کار ترجمه و معرفی را پیش گرفتند و کمتر به سمت پژوهش‌های بنیادی و طرح مسائل جدید، حرکت کردند. حتی گاه در کار ترجمه هم توفیق چندانی پیدا نکردند و در نتیجه، انتقال مطالب، در مواردی، با دشواری‌هایی روبه‌رو شد و اگر هم این انتقال، درست صورت می‌گرفت، از لحاظ کاربردی، اثربخشی زیادی نداشت. این وضع، کم‌وبیش، هم‌چنان ادامه دارد و خود، برخاسته از علل و عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز وضع کلی علم و فن‌آوری در جامعه ماست. شاید اگر نسل اول روان‌شناسان در کنار تألیف و ترجمه و احیاناً برخی پژوهش‌های اولیه — که البته به‌نوبه خود کار بسیار ارزنده‌ای بود — به تحقیق جدی، دامنه‌دار و نومایه روی می‌آوردند، وضع امروز به‌گونه دیگری بود.

از لحاظ سمت‌گیری روان‌شناسی در ایران می‌توان گفت که ابتدا این سمت‌گیری، متأثر از روان‌شناسی آلمان و در حدّ طرح برخی از نظریه‌های فیزیکیالیستی و پسیکوفیزیک مطرح شد (دکتر ارانی). این نوع روان‌شناسی که برای اهل علم و روشنفکران نوشته شده بود، مجالی برای تدریس آن در محافل دانشگاهی پیدا نکرد. پس از آن جنبه کاربردی آزمون‌های روانی برجسته شد (دکتر هوشیار) و تقریباً هم‌زمان با آن، روان‌شناسی به عنوان یک رشته، با تأثیرپذیری از روان‌شناسی فرانسه، به جامعه علمی معرفی شد (دکتر سیاسی) و سال‌ها کتاب *علم النفس* دکتر سیاسی در دانشگاه‌ها تدریس شد. بالأخره از اوایل دهه چهل، روان‌شناسی با ترجمه کتاب *اصول روان‌شناسی مان* به وسیله دکتر صناعی، چهره جدیدی پیدا کرد. این کتاب، روان‌شناسی مدرن را وارد دانشگاه‌ها کرد و به تدریج جانشین کتاب *علم النفس* شد. چندین سال بعد، کتاب *زمینه روان‌شناسی* اثر اتکینسون و هیلگارد به وسیله گروه دکتر براهنی ترجمه و منتشر شد که در حال حاضر کتاب درسی دانشجویان در اکثر دانشگاه‌های کشور، همین کتاب است. ارزیابی وضعیت، نقش و جایگاه روان‌شناسی در ایران، به بررسی برنامه‌ریزی شده، دقیق و همه‌جانبه‌ای نیاز دارد. آنچه در یک نگاه کلی می‌توان گفت این است که در طی دهه‌های اخیر، ده‌ها کتاب در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی چاپ و منتشر شده‌اند. با وجود نارسایی‌ها و کاستی‌ها در انتخاب کتاب برای ترجمه و در متن ترجمه و وضع معادل‌ها و مفهوم‌سازی‌ها این حرکت ترجمه (و گاه تألیف) را می‌توان به فال‌نیک گرفت و آن را ارج گذاشت. از طرف دیگر، در طی دو دهه اخیر شاهد رشد کمی و احیاناً کیفی

برخی از شاخه‌های روان‌شناسی در مراکز علمی کشور هستیم (از قبیل روان‌شناسی عمومی، رشد، تربیتی، بالینی، کودک، آزمون‌ها، استثنایی، شخصیت، اجتماعی و سازمانی). شکل‌گیری «انجمن روان‌شناسی ایران» و «نظام روان‌شناسی و مشاوره» در هویت بخشیدن به شخصیت علمی و حرفه‌ای روان‌شناسان و تعیین ضوابطی برای ارائه خدمات روان‌شناختی و مخصوصاً فراهم آوردن شرایطی برای تبادل آرا بین روان‌شناسان داخل و خارج و همکاری علمی بین آن‌ها از اهمیت‌های شایان برخوردار است. و نیز آنچه گاه در همایش‌ها و کنگره‌ها می‌بینیم و می‌شنویم، تا حدی امیدبخش به نظر می‌رسند. رشد رویکردها و زمینه‌های بین‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای مانند علم عصب‌پایه (نوروساینس)، علم شناخت‌پایه و علوم شناختی و روان‌شناسی عصب‌پایه (نوروپسیکولوژی)، از توسعه حیرت‌انگیز تحقیقات درباره فرایندهای عصبی و فعالیت‌های عالی مغز خبر می‌دهد و علاقه‌مندانی را هم به سوی خود فرا می‌خواند. اما تقریباً در هیچ یک از این حوزه‌ها به دستاورد مهمی که قابل ارایه و قابل توجه در سطح جهانی باشد و با دستاوردهای علمی جوامع پیشرفته در یک تراز قرار گیرد، نایل نیامده‌ایم.

نمی‌توان انکار کرد که روان‌شناسی در ایران هنوز نتوانسته است بر پایه‌های محکم علمی استوار گردد. این اشکال، هم در عرصه نظریه‌ها و مدل‌سازی‌ها به چشم می‌خورد و هم در حیطه تحقیقات و پژوهش‌ها، که ارتباطی تنگاتنگ با نظریه‌ها و مدل‌سازی‌ها دارد. با وجود آن‌که زمینه‌های بکری برای مطالعه وجود دارد، اما کم‌تر عادت داریم که درباره مسائل روزمره و ملموس جامعه به کندوکاو پردازیم و این مسائل را به گونه‌ای فرمول‌بندی کنیم که در نظامی از مفاهیم و تفکر انتقادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و به طرح سؤال‌هایی تحقیق‌پذیر منتهی شوند. چشم امید به کار دیگران دوخته‌ایم. می‌خواهیم نه تنها ابزار و وسایل و مصالح کار، بلکه معیارها و مقیاس‌های سنجش، اندازه‌گیری و قضاوت را نیز عیناً از آن‌ها به عاریت بگیریم. در حقیقت، در مواردی ایده یا فکری را مورد آزمون قرار می‌دهیم که خود در آفرینش و یا حتی پرورش آن ایده و فکر، نقشی نداشته‌ایم. طبیعی است که در این صورت، نه یافته‌های ارزشمندی نصیب ما می‌شود، و نه تأثیر آن یافته‌ها را در زندگی خود تجربه خواهیم کرد، چرا که اصولاً سؤال ما از بطن زندگی و افکار نومیایه نشأت نگرفته است.

بی‌تردید، محققان سخت‌کوش و هوشمند ما سزاوار رسیدن به بالاترین مدارج پیشرفت هستند و از قابلیت‌های لازم برخوردارند. آنچه نیاز داریم شرایط ضروری

برای طرح سؤال‌های علمی، بالا بردن ارج و اعتبار دانشمند و محقق در جامعه، استفاده از ابزارهای دقیق و برنامه‌ریزی منظم و سنجیده در سطح کلان و در سطح مراکز علمی و افراد علمی است. علم، با آسان‌پنداری و خام‌اندیشی سر سازگاری ندارد. عشق می‌طلبد و شور و اشتیاق؛ و خواهان جرأت لازم برای طرح سؤال و تلاش شبانه‌روزی برای فراهم آوردن پاسخ به آن سؤال است. علم به همت و پشتکار تک‌تک جوانان ما نیاز دارد وگرنه نخواهیم توانست این نوع دیرشدگی و دورماندگی را جبران کنیم.

* * *

و اما چند کلمه‌ای درباره این کتاب؛

ایده گردآوری مطالبی از آثار بزرگان روان‌شناسی در ایران از دو سال پیش شروع شد. دسترسی به آثار برخی از آن‌ها کار دشواری نبود (مثلاً آثار دکتر شاملو یا دکتر براهنی). اما پیدا کردن آثار دکتر ارانی، دکتر هوشیار و دکتر مهدی جلالی کار ساده‌ای نبود. خوشبختانه آثار اصلی این روان‌شناسان را پیدا کردیم و سعی کردیم مطالبی را انتخاب کنیم که کم‌وبیش معرف تفکر و دیدگاه علمی آن‌ها باشد. در حقیقت، این کتاب، گلچینی است از آثار بزرگانی که هر یک به سبک خود و متناسب با شرایط و احساس مسئولیتی که می‌کردند، سهمی به رشد روان‌شناسی در ایران، به خود اختصاص داده‌اند. این عده، همه روان‌شناس — به معنای باریک و یا گسترده آن — بودند جز دکتر ارانی که تحصیلاتش در پزشکی و شیمی بوده است. کسانی که گزیده‌ای از آثار آنان در این مجموعه آمده است، عبارت‌اند از: دکتر تقی ارانی، دکتر علی‌اکبر سیاسی، دکتر محمدباقر هوشیار، دکتر مهدی جلالی، دکتر محمود صناعی، دکتر محمدنقی براهنی، دکتر سعید شاملو و دکتر ولی‌الله اخوت. از لحاظ سبک و شیوه نگارش و نقطه‌گذاری، تغییری در متن آثار ندادیم. مطالب را آن‌گونه که بوده است آوردیم، جز موارد نادری که به‌وضوح معلوم بود جمله نقص دارد، واژه‌ای را اضافه کردیم و یا تغییر دادیم و داخل گروه مشخص کردیم. در مورد واژه‌ها و اصطلاحات، حساسیت خاصی داشتیم و کوچک‌ترین تغییری ندادیم. اما از لحاظ رسم‌الخط سعی کردیم تا حدی روزآمد عمل کنیم (مثلاً «ها»ی جمع و «می» سر افعال را جدا کردیم و همین‌طور دو جزء واژه «روان‌شناسی» را جدا از هم، ولی بدون فاصله اضافی نوشتیم).

در مورد هر یک از این پیشگامان، شرح حال کوتاهی آوردیم و سعی کردیم این شرح حال، جنبه ارزیابی علمی و شخصیتی نداشته باشد. اشاره‌ای هم به آثار مهم این

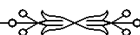
روان‌شناسان کردیم و طرحی هم از چهره آنان ارائه دادیم. نیازی به توضیح ندارد که این کتاب، همه پیشگامان روان‌شناسی علمی را در ایران دربرنگرفته است. بزرگان دیگری هم بودند و هستند که سهم به‌سزایی در این مورد داشته‌اند. هدف اصلی ما در این کار، معرفی چهره‌هایی بوده است که ممکن است یاد و نام آن‌ها در غباری از بی‌توجهی‌ها، شتاب‌کاری‌ها و گسیخته‌پنداری‌ها درخشندگی و شفافیت خود را از دست بدهد و حافظه روان‌شناسی در ایران، دچار نوعی یادزدایی بشود. ما این مجموعه را کتاب یکم از سری کتاب‌های پیشگامان روان‌شناسی علمی در ایران نام نهادیم. امیدواریم بتوانیم به یاری خوانندگان محترم و رفع نارسایی‌ها و احیاناً خطاها این راه را هم‌چنان ادامه دهیم و مجموعه‌های دیگری را نیز به آن بیفزاییم.

در این جا لازم می‌دانم از کمک‌های مؤثر سرکار خانم الهام اشتاد کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی در بازخوانی و مقابله متن با اصل آثار، تشکر کنم. آلبر کامو می‌نویسد: «ممکن است انسان‌ها نتوانند همیشه برای تاریخ معنایی بیافرینند، اما این توانایی را دارند که برای زندگی خود، همواره، معنایی خلق کنند.»

ح. ق.

زمستان سال ۱۳۸۸

دکتر تقی ارانی

——
(۱۳۱۷ - ۱۲۸۱)

گزیده‌هایی از پسیکولوژی (علم روح) (۱۹۲۷)

مقدمه، صص ۵-۶.

اسلوب و طریقه تحقیق در پسیکولوژی، صص ۱۵-۲۵.

حافظه و عادت، صص ۱۴۹-۱۷۰.

نطق و زبان، صص ۲۴۱-۲۵۳.



تقی ارانی در سال ۱۲۸۱ در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه شرف تهران گذراند و سپس وارد مدرسه عالی طب شد و پس از گذراندن این دوره، عازم برلین شد و تحصیلات خود را در دانشگاه برلین آغاز کرد. وی در سال ۱۳۰۷ از رساله دکترای خود تحت عنوان «خواص احیاکننده اسیدهیپوفسفوری» دفاع کرد. در سال ۱۳۰۸ به ایران برگشت. ارانی در سال ۱۳۱۲، انتشار مجله دنیا را شروع کرد. وی از یک سو، به عنوان یک شخصیت سیاسی در ایران شناخته می شود، و از سوی دیگر فعالیت های علمی او، مخصوصاً در زمینه فلسفه و علوم، قابل توجه است. آلمان چارلز لیاظروان شناسی جایزه اهمیت است انتشار کتاب پسیکولوژی (علم روح) است که در آن، روان شناسی بر پایه علوم طبیعی و مدل های فیزیکی لیستی رایج در آن زمان، توضیح داده شده است. در سال ۱۳۱۷ ارانی را در زندان به تیفوس مبتلا کردند که بر اثر آن درگذشت.

گزیده‌هایی از پسیکولوژی (علم روح)

مقدمه

پسیکولوژی یکی از مباحث سلسله علوم دقیقه را تشکیل می‌دهد. در فیزیک و شیمی و بیولوژی (علوم طبیعی استدلالی)، فکر، تغییرات طبیعت را، و در پسیکولوژی تغییرات خود را تحقیق می‌نماید و از این جهت است که علم روح مکمل علوم طبیعی و اساس علوم نظری و فکری است.

هر شخص در هر رشته که باشد ابتدا باید خود را بشناسد تا بتواند خود را کامل‌تر و در میدان زندگی مسلح‌تر نماید و این امر به وسیله علم روح صورت می‌گیرد. علاوه بر این، علوم تعلیم و تربیت، طب، حقوق، علوم اجتماعی و غیره از کمک گرفتن از این علم ناگزیر است.

معلم، طبیب، قاضی، سیاستمدار، پدر و مادر به روحیات شاگرد، مریض، مجرم و طفل و غیره باید کاملاً آشنا باشند تا بتوانند وظیفه خود را به‌طور دقت و صحت انجام دهند و بدون مطالعه این علم، ممکن نیست در فن خود تخصص و صلاحیت کافی داشته باشند. بنابراین می‌توان امیدوار بود، انتشار این کتاب برای بسط و نمو افکار توده مفید باشد و غرض مؤلف همین نکته است.

تألیف کتابی در علم روح در هر زبانی که باشد اشکال دارد. محدود بودن اصطلاحات در زبان فارسی امر را به مراتب مشکل‌تر می‌سازد. برخلاف عقیده جمعی که تصور می‌نمایند جمع اصطلاحات معرفة النفس از قرون وسطی به بعد موجود است.

زبان فارسی فعلی به لغات و کلمات و اصطلاحات زیاد محتاج می‌باشد. چه، پیشرفت علوم قهراً اصطلاحات جدیدی تولید کرده است و چه‌طور می‌توان قبول کرد اصطلاحات علم روح که در حقیقت فقط از قرن ۱۸ به بعد به حالت علم مستقلی درآمده در قرون وسطی نیز وجود داشته است؟ اما برای پسیکولوژی لازم نیست کسی لغت وضع کند، چه هر طفل شیرخوار به نوبه خود به پسیکولوژی آشناست و لغت وضع می‌نماید. و هر کتاب لغت که دارای کلمات ذات و معنی است، در حقیقت یک دوره پسیکولوژی است. زبان عمومی هر ملت ساده قضایای روحی را به‌خوبی از هم تشخیص می‌دهد. وقتی که گفته می‌شود: خیال، قیاس، گمان، وهم، گفتن، شنیدن، خواندن یا عقل، صبر، طاقت، هوش در حقیقت به فصول مختلفه علم روح اشاره می‌شود. پس ما نیز در این کتاب برای پسیکولوژی لغت وضع نکرده‌ایم بلکه معنی مشخص و معین هر لغت را در نظر گرفته آن را دقیق‌تر و ثابت‌تر کرده اصطلاح مخصوص قرار داده‌ایم. به قسمی که «درک»، «احساس»، «تأثر» و غیره تمام در اصطلاح معنی مخصوص بسیار دقیق و مشخص دارد و مفهوم آن‌ها را با مفهوم بسیط و مبهم و غیره مشخص زبان جاری عمومی نباید اشتباه کرد.

برلین، دسامبر ۱۹۲۷

اسلوب و طریقه تحقیق در پسیکولوژی

اسلوب و یا متد عبارت از مجموعه وسایلی است که نیل به مقصودی را تعقیب می‌کند. اسلوب علمی مجموعه وسایلی است که برای رسیدن به آخرین هدف معلوم و کشف حقیقت علمی به کار برده می‌شود.

اولین اسلوب مهم در پسیکولوژی مطالعه قضایا در نقش خویش است. بعضی از علما عقیده دارند که این طریقه تنها راه تحقیق در علم روح می‌باشد. عیب مهم این طریقه آن‌که فقط اطلاعات محدودی راجع به خود شخص به دست می‌دهد ولی می‌دانیم افراد بشر با هم متفاوت می‌باشند. پس برای تحصیل نتایج کلی لازم است قضایای روحی را در افراد دیگر بنی نوع بشر یا حیوانات نیز مطالعه نماییم. اما فقط دقت در احوال دیگران نیز به جهت به دست آوردن نتایج کافی نیست. اولاً اگر، قضایا را در خور مطالعه قرار ندهیم از وضع جریان آن‌ها در موجودات زنده دیگر نمی‌توانیم کاملاً مسبوق باشیم. ثانیاً، چنان‌که در فصول آخر کتاب اشاره خواهد شد هر متفکر در تحت تأثیر محیط مادی خود فکر می‌کند و بر حسب منافع مادی و شرایط محیط خارجی درباره قضایای کلی و مخصوصاً راجع به افراد دیگر حکم می‌نماید. پس هر یک از طریقه‌های مزبور برای تحقیقات علمی در پسیکولوژی لازم بوده هیچ‌کدام به تنهایی برای انجام دادن مقصود مزبور کافی نیست. بنا بر این این کلی‌ترین طریقه در پسیکولوژی مفهوم یک بیت از شیلر خواهد بود که می‌گوید:

«می‌خواهی خودت را بشناسی ببین دیگران چه می‌کنند. می‌خواهی دیگران را بفهمی به قلب خود نگاه کن.»

البته در موقع مطالعه قضایا در نفس خود، محقق باید خود را به دو جزء متفاوت یکی مشاهده‌کننده، دیگری موضوع مشاهده، تجزیه کند. در ملاحظه حال دیگران

شخص محقق باید حرکات و حالات صورت، وضع رفتار، کلمات، افکار و تظاهرات دیگر موجودات زنده (مخصوصاً انسان) را تحت دقت خود گیرد.

معمولاً برای علمی کردن طریقه مزبور سؤالات می‌دهند و جواب‌های آن‌ها را فوراً از شخص مورد امتحان می‌خواهند ولی در اغلب موارد، بحث کردن در خصوص این جواب‌ها و نتیجه‌گیری از آن‌ها مشکل است زیرا، اشخاص با صداقت کامل جواب نمی‌دهند. به وسیله سؤالات در هر حال می‌توان به افکار و خیالات یک نفر پی برد. یا این‌که چند کلمه بدون معنی (در لسان شخص مورد امتحان) به دنبال هم گفته یا نوشته و می‌خواهند که شخص آن را دوباره ادا کند.

با این طریقه می‌توان حافظه و دوام تصاویر و تجسمات را امتحان نمود. به جهت امتحان سرعت، قدرت توجه، قدرت احاطه فکر و غیره مسائل و معماها به شخص مورد امتحان می‌دهند. این طریقه‌ها مخصوصاً در امتحانات راجع به اطفال معمول است.

دیگر از طریقه‌های تحقیقات در پسیکولوژی، مطالعه در تاریخ زندگانی افراد و اقوام بنی نوع بشر در ادوار گذشته است. در این تحقیق نکته مهم آن‌که، بایستی وضع زندگانی مادی ملل، تأثیر آن در روحيات هر یک از افراد، قوانین اجتماعی، آداب و رسوم، اخلاق، روابط افراد با یکدیگر و با جامعه را مورد مطالعه قرار داد. شرح زندگی افراد سرپرست، سلاطین و غیره موضوع بی‌اهمیتی است بلکه باید علل و عوامل ظهور اوضاع و اشکال مختلفه اجتماع را مورد دقت قرارداد و گرنه مطالعه احوال چند نفر مخصوصی که در واقع موجودات بی‌اهمیت بوده، جریان اجتماع بدان‌ها موقعیت مخصوص داده است، مفید نیست زیرا، در این موارد اغلب فقط جنبه‌های خوب را در نظر گرفته مزایای بد را توجه نمی‌نماید. وانگهی از احوال چند نفر نمی‌توان قوانین کلی استخراج نمود. اسلوب دیگر در علم روح ملاحظه احوال حیوانات است. چنان‌که اشاره خواهد شد قضایای روحی پیچیده و بغرنج می‌باشد و برای فهم آن‌ها باید حتی المقدور یک یک از قضایا را جدا کرده و به تنهایی تحت دقت آورد. چون حیوانات روحیات ساده‌تر دارند اغلب قضایا را به حالت ساده می‌توان در آن‌ها ملاحظه نموده، از آن رو قوانین مهم برای قضایای کامل‌تر نیز تحصیل نمود. چنان‌که در ضمن خواهیم دید مطالعه احوال زنبورها، بوزینگان، طیور و غیره در اغلب موارد نتایج مفیدی می‌دهد.

دیگر از متدهای تحقیق در علم روح ملاحظات در اشخاص و حیوانات غیرطبیعی است. در اشخاص مجنون، ابله، مست، در حال نشئه، اطفال، اشخاصی که در خواب هستند، اشخاصی که در تحت هیپنوز می‌باشند، می‌توان قضایای مهمی را تحقیق کرد.

اگر علل غیرطبیعی بودن در این موارد معلوم شود از نقطه نظر کشف حقایق علمی بسیار مفید خواهد بود. مثلاً اگر معلوم شود که ضایع شدن فلان قسمت مخصوص از مراکز اعصاب، باعث نقصان حافظه می شود، در این حالت مرکز حافظه و طرز کامل و ناقص شدن آن را می توانیم بفهمیم. به همین ترتیب می توان مرکز و طرز کار کردن قضایای دیگر روحی از قبیل درک، فهم، قیاس، وهم و غیره را تحقیق کرد.

دیگر از طریقه های مهم در علم روح تجربه است. سابقاً اشاره کردیم که علم روح در ردیف علوم طبیعی دقیقه قرار می گیرد. در این علوم تفکر تنها برای کشف مجهولات کافی نیست، بلکه **ملاحظه و تجربه** نیز همواره باید همراه باشد. ملاحظه عبارت از این است که تغییرات قضایای موجود در طبیعت را دقت کنیم. [مثلاً] تحقیق قوانین حرکت سیارات **ملاحظه** است. چه ما بدون این که در جریان این قضایا تغییراتی بدهیم قوانین آن ها را تحقیق می نماییم. در تجربه بر خلاف حالت سابق ما خود شرایط جریان قضایا را تغییر داده روابط علت و [معلولی] را در تحت شرایط مخصوص که ما خود می خواهیم، به دست می آوریم. مثلاً اگر بخواهیم تحقیق کنیم فشارگازی در تحت شرایط مخصوصی چقدر است، مقدار معلوم از گاز را در تحت شرایط مفروض قرار داده، فشار آن را اندازه می گیریم. در این جا ما خود در شرایط قضایا تغییرات می دهیم. پس این عمل **تجربه** است. مثلاً فرض کنیم می خواهیم بفهمیم چه عواملی باعث معطر بودن گل سرخ می شود، عوامل و شرایط مختلفه نمو آن را مرتباً تغییر می دهیم مثل نوع نور، درجه حرارت، عرض جغرافیایی، ارتفاع محل نمو، مواد مختلفه زمین نمو را منظمآ تغییر داده نتایج را ملاحظه می کنیم. البته این امر بایستی از روی اصول علمی صورت گیرد و مخصوصاً باید در نظر داشت به جهت تحقیق تأثیر یکی از شرایط، بایستی تمام شرایط دیگر را ثابت نگه داشته فقط آن یک شرط مخصوص را تغییر دهیم و نتایج این تغییر را ملاحظه نماییم. اگر تجربه از روی این حکم اداره نشود و مثلاً در امثال سابق الذکر تمام شرایط را بدون ترتیب و نظم عوض کنیم نمی توانیم به جواب مسلم برسیم.

اما اشکال پسیکولوژی در این است که تغییر دادن شرایط در امتحانات این علم چندان آسان نیست. مثلاً اگر بخواهیم بفهمیم حافظه یا قوه قضاوت طفلی چه حالی دارد نمی توانیم تمام حالاتی را که مایل هستیم درباره طفل نیز مجری داریم. بنابراین در موارد مزبور بایستی حوصله و دقت زیاد به کار برده، به واسطه تعداد امتحانات شبیه، نتایج صحیح به دست آورد.

در علم روح تجربه اهمیت اساسی دارد و ما برای این که جریان یک قضیه را در

تحت شرایط مخصوصی در شخص معین بفهمیم، باید آن شخص را موضوع تجربه جداگانه قرار دهیم. مثلاً برای این که سرعت انتقال یک شخص را تحقیق نماییم ابتدا در لحظه معین که در یک اسباب علمی (مثلاً روی یک استوانه ضبط می‌شود) سؤالی به او می‌دهیم. به مجرد این که می‌خواهد لب‌های خود را باز نموده و جواب دهد به وسیله مفتولی که به لب‌های او متصل نموده‌ایم جریان الکتریسته برقرار شده باز علامت دیگری در همان لحظه جواب دادن ثبت می‌گردد*. مدت زمان بین بیان سؤال و شروع جواب را به وسیله این اسباب به آسانی می‌توان اندازه گرفت. نظیر این تجربه در علم روح زیاد است و در تحقیقات این علم کمک اساسی می‌نماید.

به جهت تحقیق قوانین کلی بایستی به کمک طریقه‌های مزبور اولاً عده زیادی معلومات جمع کنیم. این امر وقتی ممکن است که در مقابل تمام قضایا یک علامت سؤال بگذاریم. مثلاً از خود بپرسیم: من چرا این‌طور حس می‌کنم؟ چرا فلان چیز را فراموش کرده‌ام؟ چرا یادم آمد؟ چرا دوست من نمی‌تواند از سگ نترسد؟ چرا رفیق من ریاضیات را دوست ندارد، در صورتی که من آن را خیلی دوست می‌دارم؟ شاید در بدو امر نتوانیم به این سؤالات جواب بدهیم ولی اگر آن‌ها را نپرسیم در خصوص آن‌ها چیزی یاد نخواهیم گرفت.

ثانیاً، بایستی معلوماتی را که به این ترتیب جمع شده است طبقه‌بندی نمود. یک علم در همان موقع طبقه‌بندی و یافتن ارتباط علت و معلولی مابین قضایای مختلفه آن تشکیل می‌شود. ثالثاً ایجاد تئوری‌ها به جهت بیان کردن عوامل [می‌باشد]. تئوری می‌خواهد نتیجه تجربیات و ملاحظات را برای ما قابل فهم بنماید. پس تئوری حقیقت موقتی است نه دایمی. زیرا در نتیجه ملاحظات و تجربیات تولید می‌شود. اگر تجربیات و ملاحظات زیادتر شود یا این که به واسطه کشف شدن اسباب‌های جدید علمی تکمیلاتی در تجربیات به عمل آید، ممکن است تئوری نیز تغییر کند. زیرا تئوری باید با تمام و یا اکثر ملاحظات و نتایج تجربیات ما توافق داشته باشد و هر قدر این توافق بیشتر باشد، تئوری نیز کامل‌تر است. هر تئوری که هنوز تاریک و غیرمسلم باشد آن را فرض می‌نامیم و اگر به تدریج به واسطه زیاد شدن ملاحظات و تجربیات بر مسلمیت علمی آن افزوده شد، به اختصاص تئوری نام دارد که اگر صحت آن مسلم‌تر شود، جزء حقایق علمی می‌گردد. رابعاً، تدوین قوانین [را باید نام بُرد] یک علم وقتی کامل می‌گردد که در آن قوانین وضع

* طرز چنین امتحانات رجوع شود به فصل اول و دوم فیزیک که زیر چاپ است و به زودی منتشر خواهد شد.

شود. قانون حکمی است مثبت و یا منفی و آن به این ترتیب تشکیل می شود که ما از یک طرف به کمک بدیهیات علمی، از طرف دیگر به واسطه تعدد فوق العاده زیاد (به هر ترتیب که می توانیم) از تجارب و ملاحظات، به یک مسندالیه اسنادی بدسیم و قانون قوی تر از حقیقت تئوری و یا فرض است. مثلاً در فیزیک می گوئیم انرژی ثابت است و در شیمی ماده ثابت می باشد و در پسیکولوژی می گوئیم هرگاه دو قضیه روحی در آن واحد در یک روح تولید شود مابین آن دو قضیه یک نوع ارتباط به وجود می آید و هرگاه یکی از آن دو قضیه به تنهایی روح را متأثر کند تجسم قضیه دیگر نیز به خودی خود تولید خواهد گشت. مثلاً دیدن گل سرخ همواره با استشمام بوی خوش مخصوص همراه است. مابین باصره (رؤیت گل سرخ) و شامه (استشمام بوی خوش) ارتباط پیدا می شود و دیدن گل تنها از فاصله دور نیز تجسم بوی خوش را تولید می نماید. تشکیل شدن تمام قوانین بدین ترتیب بوده که در موارد خیلی زیاد (بدون استثنا در هر مورد که در دسترس ما بوده است) این قضایا وجود داشته است و بنابراین ما آن ها را به صورت قانون در آورده در هر زبان که ما آن ها را به شکل جمله که دارای مسند - مسندالیه است، بیان می کنیم.

تشکیل قوانین علمی، خود در تحت یکی از قوانینی که برای تمام علوم عمومیت دارد صورت می گیرد و آن قانون اقتصادی در علم است. مقصود این است که هرگاه چند بیان ممکن برای یک قضیه در دست باشد علم همواره بیان ساده تر را انتخاب می نماید. این قانون مخصوصاً در علم روح مهم است. مطالبی که به وسیله این علم یاد می گیریم اغلب بغرنج و پیچیده است. در اعصار گذشته این پیچیدگی به حدی بوده که یاد گرفتن علوم راه پیدا کردن قوانین اصلی را بر ما مسدود می نمود. علوم امروزی حتی المقدور از پیچیدگی و عقاید بی عمل و مباحثات سکولاستیک (Scholastic) اجتناب می کند: از تمام مشروحات سابق معلوم می شود که علم و قوانین آن به وسیله قضاوت اشخاص تشکیل می گردد و اقتصاد در تفکر علمی، خود به نفع شخص متفکر است. بنابراین نباید آن را طوری دخالت داد که باعث غلط بودن نتایج گردد یعنی قانون مزبور را نباید قانون کلی فرض نمود. قضاوت علمی که قوانین به وسیله آن ها تشکیل می شود به علم، خواص مخصوص می دهد. از جمله این که باید در نظر داشت هیچ وقت قانون و حقیقت علمی نمی تواند به کلی خود را از شرایط و عوامل محیط شخص متفکر عریان نموده مافوق خود متفکر و مجرد صرف باشد. مرکز علم، مغز افراد بشر است و این مرکز خود، ماده است و مادیات و محیط در نوع ساختمان و خواص آن تأثیر می کند. بشر امروز طریقه دیالکتیک را در تفکرات خود به کار می برد. هیچ قضیه را نمی توان عاری از شرایط

زمان و مکان و شخص متفکر تحقیق نمود. پس ما هر قضیه را در داخله مشکله مخصوص یعنی در عین این‌که با یک سلسله قضایای دیگری ارتباط دارد، مورد تحقیق قرار می‌دهیم. پس حقیقت قوانین با قضایای دیگر مشکله ارتباط پیدا می‌کند و بنا براین بر حسب آن قضایا تغییر می‌نماید. پس نتیجه می‌گیریم: چون قضاوت از ناحیه اشخاص است قوانین نسبی بوده به ازاء هر قضاوت‌کننده تشکیل می‌شود. ما هیچ قانون مطلق و مجرد و عاری از یک شخص قضاوت‌کننده سراغ نداریم.

در عین حال ما می‌توانیم قضایا را از بعضی شرایط مخصوص مجرد نموده حقیقت مطلق و مجرد نسبی (نسبت به آن شرایط مخصوص) به دست آوریم. این موضوع در علم روح بایستی بیشتر مورد توجه واقع شود زیرا مثلاً موقع قضاوت راجع به اشخاص نباید در تحت نفوذ موقعیت و شخصیت او قرار گیرند و از این حیث در امتحانات پسیکولوژی باید او را از تمام شرایط محیطی عریان نمود و تحت قضاوت در آورد. اما در عین حال فراموش نشود این قضاوت با آن‌که مطلق و مجرد است ولی در مقابل شرایط دیگر، مطلق صرف نیست چه بالأخره قاضی ما هستیم و ما در میان زمین و آسمان به حالت معلق و عاری از تمام شرایط نیستیم و محیط نوع ما تفکر مخصوص ما را ایجاد نموده است.

دیگر از اختصاصاتی که در نتیجه‌ی قضاوت علمی برای علوم پیدا می‌شود این‌که به تدریج در علم قوانین کیفیت به کمیت مبدل می‌شود. مثلاً مفهومات زیاده‌تر یا کم‌تر به تدریج به احکام دو برابر یا نصف و غیره بودن تبدیل می‌شود و علم دوست می‌دارد که قضایا را به شکل مقایسه و تناسب کمیتی بیان کند و از این جهت است که اندازه‌گیری و تجربه‌های مقداری، اولین اساس هر علم است. اگر این طریقه در پسیکولوژی نیز وجود نداشت علم مزبور جزء علوم دقیقه نبود. با آن‌که اندازه‌گیری و تعیین کمیت در پسیکولوژی مشکل است و به آسانی نمی‌توان گفت حافظه حسن دو برابر حافظه حسین و سرعت انتقال اولی نصف سرعت انتقال دومی است باز با وجود این طریقه سنجش و تعیین کیفیت در این اواخر در علم مزبور رسوخ نموده آن را در عداد علوم دقیقه قرار داده است. دیگر از اختصاصاتی که قضاوت برای علم ایجاد می‌نماید جنبه منطق و دیالکتیک است. علم با عقیده و خیال این تفاوت را دارد که قضایای علمی را به وسیله ایجاد شرایط مخصوص می‌توان به کمک تجربه به کرات نشان داد و شخص تجربه‌کننده تأثیری در نتیجه عمل ندارد و صحت قضیه را به این ترتیب می‌توان ثابت نمود: آن‌چه که نتیجه مستقیم یک سلسله شرایط، یعنی معلول یک سلسله علل نباشد و رابطه دقیق ما بین علت و معلول واضح نگردد، نباید علمی شمرده شود.

پسیکولوژی امروزی علم است و در آن چنان‌که اشاره شد تعیین روابط علت و معلول به کمک متدهای مختلفه، ملاحظات در شخص خود، ملاحظات در دیگران (به وسیله سؤالات - جواب‌ها و غیره)، پسیکوفیزیولوژی، پسیکوفیزیک، پسیکوشیمی، پسیکومکانیک، پسیکوپاتولوژی، پسیکولوژی اجتماعی و تاریخی، پسیکولوژی - مقایسه‌ای صورت می‌گیرد.

چون پسیکولوژی امروزی به وسیله تجربیات و عملیات تحقیق می‌نماید و بالاخره قوانینی کشف می‌کند، علمی است که از یک طرف عطش کنجکاوی فکر بشر را تا حدی خاموش می‌کند و از طرف دیگر فایده عملی مخصوصاً در شعبه تعلیم و تعلم دارد. پسیکولوژی فیزیکی رابطه مقدار تأثیر فیزیکی و تهییج پسیکولوژیکی را تحقیق می‌کند. مثلاً رابطه مابین مقدار انرژی تشعشع نور و تأثیر روشنی را دقت می‌کند. در پسیکولوژی شیمیایی (پسیکوشیمی) رابطه عوامل شیمیایی و روحی تحقیق می‌شود؛ مانند ارتباط ساختمان شیمیایی مولکول‌ها با طعم و بوی مطبوع یا نامطبوع و یا تغییرات شیمیایی اتم و مولکول‌های مراکز اعصاب، موقع تفکر و اراده و غیره. پسیکوفیزیولوژی رابطه اعمال اعضای بدن را با قضایای روحی معلوم می‌سازد. گرافولوژی که از روی خط اشخاص به خواص آن‌ها پی می‌برد جزء این قسمت است. چه، رابطه مابین حرکات دست و افکار شخص را معلوم می‌کند. پسیکوپاتولوژی قضایای روحی را در حالات مرض و غیرطبیعی مثلاً در اشخاص دیوانه، ابله، کم‌حافظه، بی‌توجه و غیره دقت می‌کند. تحقیق احوال جنایتکاران و رذیلت‌های بزرگ نیز از وظایف این شعبه از علم روح است. در پسیکولوژی مقایسه‌ای، جنبه مشترک و مختلف روح‌های مختلفه تحقیق می‌شود. مثلاً تحقیق اختلاف روح طفل، جوان و پیر، تفاوت روحیات مرد و زن از حیث منطق و احساسات و غیره، اختلاف اوضاع روحی نژادهای مختلف بشر، جزء این شعبه است. تأثیر اوضاع طبیعی محل سکونت از قبیل دریاها، کوه‌ها، آب و هوا، درجه حرارت و غیره و اوضاع اجتماعی و سیاسی مانند اختلاف طبقاتی مابین دهقان، کارگر، سرمایه‌دار و اعیان و روحانیون در این شعبه باید بحث شود. کارگران دنیا اعم از این‌که انگلیسی یا فرانسوی یا روسی یا ایرانی باشند، شباهت زیاد دارند. دهقانان در هر نقطه از دنیا باشد، افکار مخصوص و سرمایه‌دار عقاید جداگانه دارد.

سوسیولوژی، خواص عمومی اجتماعات را تحقیق می‌کند و تاریخ، در اتفاقات گذشته اجتماع و دلایل پیش آمدن آن‌ها دقت می‌نماید. اگر ملاحظه نمایم که هر فرد مظهر جمیع تغییرات محیط خویش است، خواهیم فهمید که اوضاع روحی افراد را بدون

مطالعه محیط مادی و اجتماعی آن‌ها نمی‌توان فهمید. چه، عوامل محیط موجد هر نوع تفکرات فردی است. مطالعات در خصوص السنه، مذهب و ادیان، آداب و رسوم، علوم، اخلاق، صنایع ظرفیه، ادبیات و غیره جزء وظایف پسیکولوژی اجتماعی است. پس در حقیقت پسیکولوژی اجتماعی تأثیر اجتماع را در روحيات افراد، پسیکولوژی تاریخی تغییرات روحيات بنی‌نوع بشر را در زمان‌های مختلفه تحقیق می‌کند. از قسمت اخیر می‌توان تاریخ نمو و تکامل روح را در ادوار ماقبل تاریخ و تاریخ نتیجه گرفت.

از تمام مشروحات گذشته نتیجه می‌شود: که پسیکولوژی را نباید مانند فلسفه منسوخ شده تلقی نمود. فلسفه مزبور می‌خواست در تمام علوم یک ماده و جسم اصلی پیدا کند. علوم دقیقه فیزیک، شیمی و بیولوژی با اساس وجود ماده کاری ندارد، بلکه قضایای ظاهری را تحقیق می‌نماید. پسیکولوژی امروزی در درجه اول با اسلوب این علم دقیقه کار می‌کند. یعنی هر قضیه را می‌خواهد تابع یک قانون کلی بنماید. قوانین پسیکولوژی نیز مانند قوانین علوم دقیقه دیگر در نتیجه ملاحظات و تجربیات به دست می‌آید، مثلاً همان‌طور که تجربه نشان می‌دهد فلان مایع در فلان درجه حرارت می‌جوشد، ملاحظه واضح می‌کند که فلان عامل تأثیر مخصوص در حافظه انسان دارد. از این رو لازم است در درجه اول، پسیکولوژی را یکی از شعب علوم طبیعی و علوم دقیقه بدانیم. ولی این موضوع را نیز به یاد می‌آوریم که فلسفه مطلق از نیمه اخیر قرن هیجدهم به بعد به کلی در علوم دیگر مستهلک شده وظایف آن از یک طرف [در] پسیکولوژی و از طرف دیگر [در] علوم متد (ریاضیات، منطق و دیالکتیک) محو گردیده است. پس در درجه ثانی، پسیکولوژی اصول کلی علمی را نیز با همین اسلوب علوم دقیقه مورد بحث قرار می‌دهد. جزء دوم کتاب حاضر مخصوص این قسمت است.

در پسیکولوژی نیز مانند سایر شعب علوم طبیعی به جهت به دست آوردن قوانین طریقه قیاسی و طریقه استنباط را به کار می‌برند. اگر دو قضیه دائماً یکی به دنبال دیگری ظهور کند، می‌گوییم یکی معلول و دیگری علت است و اگر در مثال‌های زیاد، دو قضیه به دنبال هم ملاحظه شده علت و معلول بودن آن‌ها ظاهر گشت، قانون به وجود می‌آید. اگر مشاهده شود در تمام گازها به ازاء یک درجه ارتقای حرارت $1/273$ حجم صفر درجه بر حجم گاز افزوده می‌شود، قانون کیلوساک در فیزیکوشیمی می‌شود.

در این مورد قانون در نتیجه قیاس عده زیادی از قضایا تولید گشته است. در طریقه استنباطی ابتدا یک فرض علمی را اساس قرار می‌دهیم بعد شروع به تجربه می‌نماییم. اگر نتایج تمام تجارب با فرض مزبور مطابقت کرد، فرض مبدل به قانون می‌شود و از روی

این قانون قبلاً نتایج سایر تجارب و ملاحظات که ما هنوز عملی نکرده ایم، استنباط می شود. در پسیکولوژی نیز هر دو طریقه را به کار می برند. اگر بخواهیم بفهمیم شادی چه تأثیرات فیزیولوژیک دارد ابتدا عملاً برای یک موجود علت را ایجاد کرده معلول را که عبارت از تهییج شدن حرکات جهازهاضمه و تنفس و دوران دم باشد ملاحظه می نماییم بعد با طریقه قیاسی به قانون ذیل می رسیم: شادی حرکات ارادی و غیرارادی بدن را شدیدتر می کند یعنی تأثیر دینامیک دارد. ولی اگر مثلاً بخواهیم بفهمیم در یک مورد مخصوص حفظ کردن کلمات و مطالب زیاد چه تأثیر سوء را برای حافظه دارد طریقه استنباطی را استعمال می کنیم.

تکامل علم

رشته های مخصوص معلومات بشر و به طور کلی علم دائماً در تغییر و تکامل است. این امر مانند تمام تکامل قضایای دیگر طبیعت دو جزء مشخص دارد ۱. تکامل تدریجی، ۲. انقلابی. در تمام انواع تکامل و تغییرات، اعم از این که قضایا طبیعی باشد یا اجتماعی یا روحی و غیره هر دو نوع مزبور را می توان ملاحظه نمود. در علوم طبیعی مشاهده می شود که درجه حرارت یک مایع را می توان متدرجاً بالا برد. در ضمن حرارت دادن، در مایع تغییر کمی به ظهور می رسد یعنی عددی که نمایش درجه حرارت است متدرجاً بالا می رود. ولی موقعی می رسد که این تغییر کمی به تغییر کیفی مبدل می شود [و] یک مرتبه مایع بخار می گردد. در حالت اول، تکامل تدریجی و در حالت ثانی، انقلابی است. در اجتماع نیز عین این حالت وجود دارد مثلاً در مهد حکومت های فنودالیزم افکار آزادی سرمایه و سرمایه داری به تدریج تولید شده نمو می کند ولی پس از سیر تکامل تدریجی و یک سلسله تغییرات کمی (وضع شدن بعضی قوانین به نفع آزادی مزبور و برای محدود کردن قدرت استبدادی) یک دفعه تغییر ناگهانی روی می دهد و شکل اجتماع در دست انقلاب تغییر می نماید.

در پسیکولوژی و علوم دیگر نیز این حالت را می توان ملاحظه نمود. در تاریخ هر علم می توان سه دوره تکامل تدریجی که فاصله بین آنها یک تکامل انقلابی است تشخیص داد. الف. دوره حکایتی: هر علم دارای یک دوره حکایتی است یعنی مبانی اول آن فقط جسته گریخته به شکل حکایات بیان می شود. غالب این حکایات شیرین و مطبوع می باشد و ممکن است که آنها را به توسط جستجوهای پی در پی تحقیق نماییم ولی باید به خاطر داشت محکم ترین حکایات نیز اثبات و اعتبار علمی ندارد. مثلاً در مراحل

اولیه تمدن، بشر معتقد بود که امراض به وسیله روح‌های کثیف که هنگام شب وارد منازل می‌شوند، تولید می‌گردد.

با آن‌که افسانه‌های شیرین راجع به حملات این‌گونه روح‌ها بیان شده است با وجود این واضح است که عقیده جدید و استناد علل امراض به موجودات زنده کوچک، آن‌ها را به کلی نسخ می‌کند. دوره حکایتی علم در تاریخ تمدن کلدانی، مصری، چینی، هندی و غیره کاملاً مشهود است.

ب. دوره منطقی یا دوره علمی: این دوره در تاریخ بشر با تمدن شهرهای آسیای صغیر یونان شروع می‌شود. **طالس ملطی** که ابوالفلسفه نامیده می‌شود اصول عقاید علمی را بر تفکر و استدلال و علت و معلول می‌گذارد. این طریقه به تدریج نمو می‌کند و در **هراکلید** اصول دیالکتیک را ملاحظه می‌نماییم که نه فقط منطق مطلق بلکه استدلال را با ملاحظه جریان قضایا در تفکرات معمول می‌کند. چنان‌که می‌گوید: در یک رودخانه نمی‌توان دو دفعه داخل شد. دوره منطقی، تمام قرون قدیمه و وسطی را شامل می‌شود. در عرض این مدت تکامل علم کاملاً تدریجی است. در قرون جدیده که در اجتماع تقسیم کار نمو زیاد پیدا می‌کند، علم نیز به شعب مختلفه خود تقسیم می‌گردد. در حداقل بین قرون جدیده و معاصر که در اجتماعات بشر انقلابات شدید به ظهور می‌رسد، علم نیز تغییرات و انقلابات ناگهانی می‌کند و دوره سوم علم که ذیلاً تشریح می‌شود، ظاهر می‌گردد.

ج. دوره تجربه: در دوره دوم، بشر به تفکر منطقی قناعت می‌کرد و ملاحظه و تجربه در کار نبود. راجع به خلقت عالم و عنصر بودن آب، آتش، خاک و باد در دوره سکولاستیک مباحثه می‌شد ولی چون تجربه در کار نبود، منطق هم در درجه دوم قرار می‌گرفت و محاوره و مغالطه رواج داشت. ملاحظه و تجربه مانند تمام تغییرات انقلابی و ناگهانی، با یک سلسله اشکالات مواجه می‌شود. شروع دوره **کپرنیک** به آسانی نتوانست در مقابل «والشمس تجری» عقیده خود را اظهار کند و مدت ۱۲ سال آن را پنهان نگه داشت. **گالیه** مجبور شد در مقابل پاپ زانو به زمین زده، راجع به عقیده خود درباره حرکت زمین استغفار کند. **جوردانو برونو** که این احتیاط‌ها را به خرج نداد، در آتش غضب پاپ سوخته در ونیز محبوس شد. ولی همین شعله، فصل مشترک دو دوره مشخص یعنی مظهر تکامل ناگهانی و انقلابی بود. بالأخره بعد از این فداکاری‌ها دوره سوم شروع شد و تکان عظیمی در پیشرفت علم به ظهور رسید. به قسمی که قرون ۱۸، ۱۹، ۲۰ را دوره تجربه در تاریخ بشر باید دانست.

در نتیجه توأم شدن تجربه با تفکر علمی و کامل شدن منطق و ظهور دیالکتیک، بشر